گزارش یک

فرزین ماندگار

ضعف دیپلماسی فرهنگی در دولت حقوقدان‌ها!

ثبت جهانی مینیاتور به عنوان میراث ناملموس که اخیراً به طور مشترک به نام ایران و ۳ کشور دیگر انجام شد نباید منجر به نفی انفعال دیپلماسی فرهنگی و بی‌توجهی ساختاری به این هنر در داخل شود

هر چند ثبـت آثار فرهنگی یک کشـور در یک نهـاد بین‌المللـی نمی‌توانـد به معنـای مصادره آن اثر به نام یک کشـور خاص باشـد امـا انفعال دیپلماسـی فرهنگـی در این‌بـاره توجیه‌ناپذیر است. پرونده چندملیتی هنر نگارگری (مینیاتور) که اخیراً در پانزدهمین اجلاس کمیته بین‌الدول میراث فرهنگی ناملموس یونسـکو با کسب رأی مثبـت داوران این کمیتـه در فهرسـت میراث جهانـی ناملموس بشـری قرار گرفـت و جهانی شـد یک معترض جدی به نام افغانسـتان دارد و البته هندوستان و تاجیکسـتان هم خواستار به رسمیت شناخته شـدن سـهم آنها در ثبت این میراث فرهنگی شده‌اند.

ایران فرهنگی زادگاه هنر مینیاتور

هنر مینیاتور یا نگارگری در ایران دارای پنج مکتب اسـت که برگرفته از نام پنج شهر بوده و جالب است که چهار شـهر در ایران فعلی قرار دارند و صرفاً شهر هرات در نقشه سرزمینی ایران کنونی حضور ندارد و اگر قرار بود یک کشور همراه با ایران به طور مشترک در ثبت جهانی هنر مینیاتور حضور داشـته باشـد افغانستان صلاحیت بیشتری داشـت و البته گفته می‌شود هندوستان و تاجیکستان هم خواهان قرار گرفتن در این لیست هستند. کشـورهایی که هنر مینیاتور در آنها به طور قطع تحت تأثیر مکتب هرات بوده است. اما در میان کشورهایی که نام آنها در کنار ایران قرار گرفته ترکیه، آذربایجان و ازبکستان دیده می‌شوند. بی‌شک هنر مینیاتور در کشور آذربایجان نیز میراثی به جای مانده از مکتب تبریز در ایران است چراکه مکتب تبریز یکی از اقمار ایرانی هنر مینیاتور است و کشور کوچک آذربایجان که بخشی جداافتاده از آذربایجان ایران است بخشی از حوزه سرزمینی هنر مینیاتور محسوب می‌شود.

انفعال دیپلماسی فرهنگی ایران

بی‌تردید خاسـتگاه هنر مینیاتور کشور ایران است و شـیوع این هنر در مناطق دیگر از طریق ارتباط با هنرمندان ایرانی صورت گرفته است و اگر قرار باشد همه کشـورهایی که به نوعی این هنر در آنها وجود داشته یا دارد در ثبت میراث مشترک با ایران سهیم باشند به طور عادی نام کشورهای دیگری چون چین هم می‌تواند به میان بیاید. بدیهی است در ثبت یک اثر فرهنگی ریشه‌های آن باید شاخص اصلی باشد و اینکه ریشه و خاستگاه آن اثر فرهنگی متعلق به کدام کشور است باید به عنوان معیار اصلی مد نظر یونسکو قرار گیرد و ای کاش نمایندگان ایـران در این نهاد بین‌المللی نسبت به این موضوع پافشاری کنند اما به نظر می‌آید نفوذ کشـورها در این سازمان حرف اول را می‌زند. برای مثال پیش از این شـاهد بوده‌ایم که کم‌کاری سازمان میراث فرهنگی باعث شده بسیاری از آثاری که اتفاقاً ایرانی بودن آنها ثابت شده است به نام کشورهای دیگر ثبت شود و جالب است که خیلی وقت‌ها مسـئولان ایرانی صرفاً پس از ثبت آن آثار از ماجرا مطلع شده‌اند.

درباره اینکه چرا ایران به تقسیم حق خود با کشورهای دیگر رضایت داده است محمدحسن طالبیان، معاون میراث فرهنگی کشور به این نکته اشاره می‌کند که یونسکو رسـیدگی به پرونده‌هایی که از سوی چند کشور مطرح شده باشـد را جلو می‌اندازد: «سهمیه هر کشـور محدود اسـت و هر سه سـال دو پرونده سهم ما می‌شـود. اما پرونده‌های مشترک خارج از سهمیه‌بندی است. این تصمیمی است که یونسکو برای همدلی و همکاری نزدیک در مسیر ایجاد صلح قرار داده اسـت» اما بدیهی اسـت که جلو انداختن پرونده‌ها به لحاظ زمانی نمی‌توانـد توجیهی برای تقسیم حق ایران در میراث فرهنگی باشد.

پرونده این اثـر ناملموس و ارزشـمند ایرانی همان طور که در سال‌های گذشته و به طور مرتب متولیان میراث فرهنگی و تهیه پرونده‌های ثبت جهانی اعلام کرده بودند به صورت مشترک با سه کشور دیگر تهیه شد و این پرونده پیش‌تر به صورت مشترک و با تقسیم کار بین هر چهار کشـور ایران، ترکیـه، آذربایجان و ازبکسـتان تهیه و بعد از تدوین نهایی امضا شد و سرانجام نوروز ۱۳۹۸ به دبیرخانه یونسکو فرستاده شـد تا در پانزدهمین اجلاس یونسکو با اکثریت آرا به عنوان پانزدهمین اثر میراث ناملموس کشورمان در فهرست میراث ناملموس جهانی یونسکو به ثبت برسد. معاون میراث فرهنگی وزارت میراث فرهنگی، بعد از ثبت جهانی این اثر به صورت مشترک و با سه کشـور دیگر، از تمایل و درخواست سه کشور دیگر برای پیوستن به این پرونده خبر داده است.

او در این باره به ایسنا می‌گوید: پرونده با چهار کشور آماده شـده بود و در ادامه افغانستان و تاجیکستان درخواستِ پیوستن به پرونده را داده بودند، بنابراین تصمیم گرفته شد تا نخست پرونده «هنر مینیاتور» به یونسکو ارسال شود و بعد از بررسی در این اجلاس و ثبت جهانـی آن، تقاضای دو کشـور دیگر نیز در یونسکو ثبت شده و با تهیه پرونده جدید مانند الحاق کشـورهای دیگر به پرونده «نوروز»، این پرونده نیز به‌روزرسانی شـود. به واسـطه وجود فرهنگ‌های مشترک بین کشـورهای عضو پرونده هنر مینیاتور و «هندوسـتان» این کشـور نیز می‌تواند به «هنر مینیاتور» الحاق شود.

اعتراض افغانستان

حالا وزارت فرهنگ افغانسـتان گفته که اعلام ثبت هنر مینیاتـور در میراث جهانـی در مغایرت صریح با مواد مندرج کنوانسـیون حفاظـت از میراث‌های فرهنگـی ناملموس بوده و باعث ایجـاد فضای عدم همکاری فرهنگی میان کشورهای مربوطه می‌شود. گویا سرپرسـت این وزارت افغانسـتانی همچنین مدعی شده که منشأ اصلی هنر مینیاتور افغانستان بوده است.

مکاتب شـیراز، تبریز، قزوین، اصفهان و هرات جزو پنج مکتب مینیاتور هسـتند. مکتب هرات در دوره تیموریان و در زمـان زمامداری شـاهرخ در هرات پایه‌گذاری شـد. تیموریـان دودمانـی ترک‌تبار با فرهنگی ایرانی بود. بنیانگذار این دودمان امیر تیمور بود که ادعا می‌کرد نسبش به چنگیزخان می‌رسد. تیمور به دانش و هنر علاقه نشـان می‌داد. از این رو هنرمندان و صنعتگران از کشتارهایش در امان بودند. فرزندان او نیز سیاست بنیانگذار دودمان تیموریان را پی گرفتنـد که از جملـه می‌توان بـه راه‌اندازی رصدخانه، مسجد و مدرسه اشاره کرد. هنر نگارگری یا نقاشی ایرانی و نیز خوشنویسی در این دوره از تاریخ ایران به شکوفایی قابل توجهی دست یافت. مکتب هرات در نگارگری باقی مانده از دوره تیمور است. در زمان شاهرخ روابط تجاری و فرهنگی با خاور دور (چین) دوباره بهبود یافت و شـاهرخ دستور نوشتن یک سـفرنامه مصور را به غیاث‌الدیـن داد و او را به خاور دور فرستاد. وی موقع برگشـت از هنرمندان و آثار چیـن همراه خـود آورد که باعـث تأثیر هنر چین بر نگارگری عصر تیموری شد که تأثیراتش در معراج‌نامه مشهود است. جالب است که هنر مینیاتور در دوره سلطان حسین بایقرا پیشرفت زیادی می‌کند اما در سال ۱۵۰۷ میلادی با حمله ازبک‌ها رشد این هنر متوقف می‌شـود و حالا ازبکسـتان در فهرست کشورهایی است که صاحب هنر مینیاتور هستند اما افغانستان در این فهرست به چشم نمی‌خورد. سیر تاریخـی مینیاتور ایرانی به گذشـته‌های دور پیش از ظهور اسلام می‌رسـد اما می‌توان گفت زمانی که ایرانیان توانستند در قرن سوم هجری قمری به دربار عباسیان وارد شوند نقاشـی ایران پس از یک دوره رکود، جانی دوباره گرفت.

مینیاتور ایرانی در واقع نقاشـی ایران پیش از ظهور اسلام اسـت که با عرفان و تفکرات اسـلامی ادغام گردید و راهی شـد برای ظهور جلوه‌های الهی. آثار مینیاتور نفیسـی در دوره عباسـیان خلق شـد که متأسفانه بخش عظیمی از این آثار در حملات مغول در سده‌های هفتم و هشتم از بین رفت.

ضعف دیپلماسـی فرهنگی و بی‌توجهـی به میراث فرهنگی باعث می‌شـود تـا همواره اخبـار مربوط به ثبت آثـار فرهنگی ایران در کشـورهای دیگر به گوش برسد. به نظر می‌رسد اگر قرار باشد ثبت آثار فرهنگی متعلق به ایران به همین سبک و سیاق ادامه داشته باشد باید شاهد باشـیم که همواره ایران در خوش‌بینانه‌ترین حالت میـراث فرهنگی خود را با کشـورهایی که جزو اقمار فرهنگی ایران محسوب می‌شوند به طور مشترک سهیم شـود و احتمالاً در این‌باره هر کشور تازه اسـتقلال‌یافته‌ای می‌تواند با استفاده از کم‌کاری مسئولان ایرانی نسبت به ثبت میراثی که متعلق به ایران است اقدام نماید. در این وضعیت تقویت دیپلماسـی ایـران در بعد فرهنگی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

> در ثبت یک اثر فرهنگی ریشـه‌های آن باید شاخص اصلی باشـد و اینکه ریشـه و خاسـتگاه آن اثـر فرهنگی متعلق به کدام کشـور اسـت باید به عنـوان معیار اصلی مد نظر یونسـکو قـرار گیـرد و ای کاش نماینـدگان ایران در این نهاد بین‌المللی نسـبت بـه ایـن موضـوع پافشـاری کننـد

هر چند مصطفی پورعلی مدیر کل دفتر ثبت آثار و حفظ و احیای میراث معنوی و طبیعی معتقد است «ثبت جهانی میراث ناملمـوس ارتباطی به موضوع مالکیت و انحصـار مالکیت بر یـک عنصر فرهنگی ناملموس ندارد ولـی به هر حال بنا بر درخواسـت عمومی و متخصصان و صاحبنظران، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی درخواست ثبت جهانی میراث ایران را به مرور در این نهاد بین‌المللی ارائه می‌دهد.»

اگرچه ایران زادگاه مینیاتور اسـت امـا با نگاهی به سـیر تطور این هنر درمی‌یابیم که این هنر به دلیل بی‌اعتنایی مسـئولان از رکود زیـادی رنج می‌برد. دانشگاه‌ها، پژوهشـگاه‌ها و مراکز علمی و فرهنگی به این هنر ایرانـی بی‌توجه بوده‌انـد و دلیل آن‌هم توجه بیش از حد به هنر مدرن از نوع غربی آن است. متأسفانه در دانشگاه‌های هنر ایران رشته‌ای مجزا به نام مینیاتور وجود ندارد. برای مینیاتور موزه‌ای مجزا در ایران لحاظ نشده است. هر چند غلبه نگاه موزه‌ای و گنجینه‌ای نیز می‌تواند در این باره خسران‌زا باشد اما در این زمینه نیز هنر مینیاتور دچار بی‌توجهی است. در واقع هنر مینیاتور در ایران مانند هنرها و آیین‌های بومی و ملی دیگر چـون هنر تعزیه دچـار غفلت و بی‌توجهی مسئولان فرهنگی است که در خیلی موارد مشکوک نیز به نظر می‌رسد. سوق دادن دانشجویان ایرانی به سمت هنر مدرن غربی به طور عادی تبعات اعتقادی و تربیتی دارد و منجر به گسست پیوندهای عقیدتی قشر جوان با درونمایه‌های سنتی و فرهنگی ملی می‌شـود. در این میان ثبت مینیاتور به عنوان میراث غیرملموس فرهنگی ایران تنها می‌تواند یک پازل از تمام الزاماتی باشد که این هنر بومی ایرانی را برای ارائه به نسل‌های بعدی حیاتی دوباره می‌بخشد. ثبت جهانی مینیاتور به عنوان میراث ناملموس نباید منجر به نفی انفعال دیپلماسی فرهنگی و بی‌توجهی ساختاری به این هنر در داخل شود.

گزارش ۲

رئیس صنف تهیه‌کنندگان سینما:

پول ناسالم به افزایش دستمزد بازیگران دامن زده است

کسانی که دستمزد بالا می‌گیرند معمولاً فیلم‌هایشان با استقبال روبه‌رو نمی‌شود

محمد صادقی

دستمزدهای بالای بازیگران سینما در ایران برخلاف روندی اسـت که در سـینمای جهان وجود دارد کـه در آن بازیگر سوپراسـتار، به جای تحمیل بار مالی به فرایند تولید فیلم، در فروش فیلم سهیم می‌شود. در ایران دستمزدهای گزاف دادن به بازیگران با ورود پول‌های ناسـالم به سینما تشدید شده است.

غلامرضا موسـوی رئیـس صنـف تهیه‌کنندگان سـینما، معتقد است پول ناسـالم باعث دامن زدن به فرایند افزایش دستمزدهای نامتعارف در سینما شده است.

موسوی درباره نسبت بودجه‌ای که از کل برآورد تولید فیلم برای دستمزد بازیگران کنار گذاشته می‌شود، می‌گوید: هر فیلم یک بودجه‌ای دارد و این بودجه معمولاً در سیستم باید درصدهای خاص خودش را داشته باشد؛ مثلاً برای یک فیلم سینمایی ما ۲۵ الی ۳۰ درصد معمولاً بودجه می‌گذاریم. حالا تصور بفرمایید که یک آقا یا خانم محترمی تشریف می‌آورند و به هر دلیل از تهیه‌کننده دستمزدی را مطالبه می‌کنند که در مجموع می‌تواند از این درصد خیلی بیشتر باشد! طبیعتاً در این جا دو، سه اتفاق می‌افتد؛ اول اینکه به بازیگران دیگر باید دستمزدهای کمتر بدهند، یعنی در این‌جا حق و حقوق دیگران ضایع می‌شـود و آن وقت تهیه‌کننده‌ای که این کار را می‌کند و این کار مورد پسـند من نیسـت باعث می‌شود که از دسـتمزدهای عوامل فنی فیلم بزند. این آدم‌هایی که دسـتمزدهای بیش از حقشـان را دریافـت می‌کنند باعث می‌شوند حق و حقوق دیگران ضایع شود برای اینکه بودجه شما، بودجه بادآورده‌ای که نیست. برای یک فیلم مثلاً ۳ یا ۴ یا ۵ میلیارد تومان بودجه گذاشتید بعد با فلان بازیگر صحبت می‌کنید و فکر می‌کنید که به او نیاز است، مثلاً او می‌تواند در فروش فیلم مؤثر باشد.

وی درباره نحوه مشارکت بازیگر در سود فروش فیلم، که در سینمای جهان متداول است، توضیح می‌دهد: این گونه نیست که مثلاً وقتی می‌گویند تام کروز ۲۰ میلیون دلار می‌گیرد، نقدی به او ۲۰ میلیـون دلار می‌دهند، بلکه درصدی از فیلم را شریک می‌شود.

موسـوی درباره بازیگرانی که در ایران به این شیوه دستمزد دریافت می‌کنند، می‌گوید: اگـر بخواهم صراحتاً حرف بزنم آقای عطاران جزو آدم‌هایی است که در حرفه تا آن جایی که من اطلاع دارم مراعات می‌کند یعنی مسئله را خودش می‌داند و دستمزدش را جوری می‌گیرد که به نقدینگی آسیب نمی‌زند و درصدی از سهم را در فیلم شریک می‌شود. برای اینکه شاید همکاران خارج از کشـور او نیز این کار را انجام می‌دهند اما برخی دیگر یـک جور رقابت دارند، یعنـی می‌خواهند برای گرفتن دستمزد بالا برای خودشان وجهه‌ای بگیرند.

رئیس صنف تهیه‌کنندگان سینما تأکید می‌کند: به فیلم‌های کسانی که دستمزدهای بالا گرفته‌اند نگاه کنید، اکثراً مخاطب تحویلشان نگرفته اسـت یعنی نرفته بلیت بخرد، به هر حال زمانی که شما به استار یا به قول معروف به سوپراستار دستمزد می‌دهید باید این بزرگوار بتواند حداقل به اندازه دسـتمزد خودش تماشـاچی جذب کند، یعنی اکثر اینها در این مورد شکست خورده‌اند. یکی از بامزه‌ترین اتفاقاتی که در سینمای عزیز ما رخ می‌دهد این است که طرف شکست می‌خورد و در فیلم بعدی دستمزدش را بالاتر می‌برد.

وی دربـاره نقـش ورود پول‌های کثیـف به رونـد افزایش دستمزدها، می‌گوید: سرمایه‌گذارانی که پول‌های گزاف به بازیگران دادند دقیقاً پول‌هایشـان، همان پول‌هایی بود که اصطلاحاً «پول سـالم» نبود، البته من نمی‌گویم پولشویی می‌کردند!

موسوی در ادامه با اشاره به اینکه گردش مالی سینمای ایران نزدیک به ۲۵۰ میلیارد تومان اسـت، می‌افزاید: دوسـتان متوجه این موضوع نیستند که طرف برای شهرت خودش و برای پولشویی امکانات فراهم می‌کند. کسی که برای فلان سریال ۲۰ میلیارد تومان داده که اصلاً پولی نیست به اندازه چندین میلیارد برای خودش اسـم و رسـم و شهرت پیدا می‌کند و با این شهرتی که پیدا کرده است به بانک‌ها مراجعه می‌کند. مردم و همه بانک‌ها و همه کسانی که کار اقتصادی می‌کنند نمی‌دانند برای فلان سـریال که مثلاً ۱۵ میلیارد هزینه شده در قسمت اول ۳ میلیارد ضرر داده است.

تهیه‌کننده پیشکسـوت سـینما، می‌افزاید: آنها اصلاً بحث اقتصادی ندارند، البته بدشان نمی‌آید که فروش داشته باشند ولی واقعیت این است که اساساً دنبال این آمده‌اند تا خودشان را مطرح کنند، بـا مطرح کردن و سـر و صـدا راه انداختن DVDهایشـان را برمی‌دارند و برای ۲هـزار رئیس بانک و کسانی که کار اقتصادی می‌کنند می‌فرستند؛ این کار توسط یک تهیه‌کننده معمولی انجام نمی‌شود فقط امکان دارد آن DVD را به چهار تا از دوسـتانش بدهد یا به سینما دعوت کند، اصل قضیه از اینجا شروع می‌شود.

رئیس صنف تهیه‌کنندگان سـینما، درباره راه‌های صنف تازه‌تأسـیس تهیه‌کنندگان برای مقابله بـا پرداخت‌های نجومی به بازیگران، گفت: این کار ساده نیست ولی ما داریم تلاش‌مان را می‌کنیم تا به آن برسیم. ضمن اینکه چیزی که ما داریم فشار می‌آوریم روی همکاران خودمان است، ما به همکار خودمان به عنوان تهیه‌کننده می‌توانیم بگوییم تو حق نداری قراردادی بیشتر از این ببندی. مثلاً می‌گوییم هر آدمی یک درصـدی دارد و دسـتمزد بازیگرانت نباید بیشتر از ۲۵ تا ۳۰ درصد بودجه فیلمت باشد، چون اینها را می‌توانیم حدس بزنیم و کارشناسی کنیم. ما می‌توانیم تهیه‌کننده‌ها را ممنوع‌الـکار کنیم به این معنی که به آنها بگوییم دیگر امکاناتی که صنف و ارشاد باید به شما بدهد را نمی‌دهیم و فکر می‌کنم اتفاقات خوبی خواهد افتاد ولی به این سـادگی‌ها نیست و این‌طور نیسـت که من بگویم همین امشـب ما تصمیم می‌گیریم و می‌شـود، خیر! راه درازی پیش رو است ضمن اینکه متأسفانه راه تقلب کردن همیشه باز است.

زبان فارسی

زبان فارسی، زبان کلاسیک کشور هند شد

نوشداروی هندی‌ها برای زبان فارسی

در حالـی کـه وضعیـت زبـان فارسـی در هند چنـدان مطلـوب نیسـت، گفته می‌شـود اقدام دولـت هنـد در معرفی فارسـی به‌عنـوان زبان کلاسیک می‌تواند نویدبخش آینده بهتری باشد.

اگر نگاهی به نقشـه زبان فارسـی در طـول تاریخ بیندازیم، با کاهـش تدریجی میـزان قلمروی این زبان و به‌تبع، افراد مسـلط به آن طی دو سده اخیر مواجه می‌شویم؛ امری که سبب شده گستره عظیم زبان فارسی از محدوده عراق تا چین، تنها به ایران، مناطقی از تاجیکستان و افغانستان محدود شود.

از جملـه نواحی‌ای کـه حیات زبان فارسـی در آن چند سده‌ای است که همانند سـابق جریان ندارد، هندوستان اسـت. زبان فارسـی که در هندوستان بیش از هفت سـده به‌عنوان زبان رسـمی و علمی شناخته می‌شد، بعد از استقرار انگلستان و استعمار هندوستان از سوی این کشور، کم‌کم جای خود را به زبان انگلیسی داد؛ سرگذشـتی که به‌عنوان یکی از غم‌انگیزترین موضوعـات در تاریخ ایران و هند ثبت شده اسـت. با وجود این تاریخ و پیشـینه و با وجود هزاران نسخ خطی ارزشمند و نفیس فارسی در هند، خبری از زبان فارسی در زندگی مردم نیست؛ پیوندی قطع شده اسـت که امیدی به بهبود آن و بازگشت وضعیت سابق نمی‌رود.

دردنامه علیرضا قزوه

علیرضا قزوه، شـاعر و وابسـته فرهنگی سـفارت جمهـوری اسـلامی در دهلی‌نو، چنـدی پیش در یادداشتی وضعیت زبان فارسی در هند را «دردناک» توصیف کـرد و در این باره نوشـت: این سـال‌های آخر حکایت شعر فارسـی در هند حکایت دردناکی است. در سـفر ۱۰ سـال پیش به هند که پنج سال رحل اقامت افکندم، چه‌بسیار در همین دهلی، فیل می‌دیدم و فیلبان! حالا فیل‌ها هم رفته‌اند از دهلی... یک سال است در این جایم و چشمم به جمال فیلی روشن نمی‌شود. همان انگشت‌شـمار شاعرانی که در سـفر پیش دیده بودم‌شـان، هنوز هستند و گاه بی‌دل‌ودماغ شـعری نجوا می‌کنند، یـا بعد از چند ماه غزلکی می‌سرایند، برخی‌شان، انگار نه انگار این عرصه پهلوان می‌خواهد و چشـم تهمتن سفید شد از چشم دوختن به میدانی که بنا بود در آن سهرابی بیاید و سیاوشی!...

گذشته از تأثیر عواملی چون تسلط انگلستان بر هند و تلاش اسـتعمار پیر برای از بین بردن زبان فارسی در این کشور، دلایل دیگری نیز بر کم‌اقبالی به زبان فارسی در هند می‌توان برشمرد؛ از عدم معرفی خوب و تبلیغات مناسـب در این باره گرفتـه تا ضعف در آموزش و منابع آموزشی.

مهدی باقرخان، شاعر هندی و استاد دانشگاه است. او که از کودکی به‌واسطه سفر برخی از خویشاوندانش به ایران، با زبان فارسی آشنا شـده بود، حالا پس از تحصیل در این رشته به زبان فارسی شعر می‌گوید. اخیراً کتاب شـعر او به زبان فارسی با عنوان «شیراز هند» منتشـر شـد که با اسـتقبال خوبی از سوی مخاطبان فارسی‌زبان همراه شد.

فارسی‌دانی معادل فرهنگ‌دانی در هند

باقرخان نیز در گفت‌وگو با تسـنیم، وضعیت زبان فارسی را نامناسب توصیف می‌کند و می‌گوید: شکی در این نیست که زبان فارسی در سال‌های گذشته آن‌طور که بایسته و شایسـته است، در جامعه هند مطرح نیست، این در حالی است که آگاهی و اشراف به زبان فارسـی در زمانه‌ای معادل سـوادآموزی و بافرهنگ بودن یک نفر در هند محسوب می‌شد اما این روزها چون از مسیر اصلی جامعه به حاشیه رفته است و به اقتصاد کشور ربط آنچنانی ندارد، شرایط آبرومندانه‌ای ندارد. اوضـاع این زبان در هند خوب نیست. در زمان حاضر بیش از ۳۶ گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های سراسر هند داریم و علاوه بر این در برخی دبیرسـتان‌ها نیز این زبان به‌عنوان یکی از گزینه‌های زبان خارجی ارائه می‌شود؛ با وجود این، وضعیت و شرایط چندان مطلوب نیست.

وی ادامه می‌دهـد: البته ذکر این نکتـه نیز خالی از لطف نیسـت که در مصوبه اخیر آموزش کشور، دولت هند زبان فارسـی را به‌عنوان زبان کلاسیک کشور مطرح کرده است نه زبان خارجی، این نکته‌ای امیدوارکننده اسـت، حالا باید ببینیم که چه پیش می‌آید. مهدی باقرخان بخش دیگری از کم‌فروغی زبان فارسی در کشـور هند را نتیجه کیفیت پایین آموزش این زبان و عدم معرفی درست آن می‌داند. به گفته او؛ عمده منابع درسی در دانشگاه‌ها متمرکز بر ادبیات کلاسیک است، حال آنکه ادبیات معاصر ایران نیز حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. از نظر او، ادبیات دفاع مقدس از جمله نمونه‌های موفق ادبی در دوران معاصر ایران است که نمونه مشابهی برای آن نمی‌توان یافت.

او در این باره بیشتر توضیح می‌دهد و اضافه می‌کند: در مجموع کیفیت آموزش زبان فارسـی در مراکز رسمی هند قابل تعریف نیسـت. عمده کسانی که به مراکز رسمی می‌روند، بیشـتر به‌دنبال دریافت مدرک تحصیلی هسـتند. در دانشگاه‌ها دیده‌ام که دانشجویان رویکردشـان با کسـانی که مثلاً برای یادگیری زبان فارسی به خانه فرهنگ می‌آیند، فرق دارد. با توجه به این مسائل، شرایط زبان فارسی در هند در شأنش نیسـت؛ این در حالی است که زبان فارسـی، زبان شعر اسـت و شعر همیشـه در هند مشتری دارد.

> در زمـان حاضـر بیـش از ۳۶ گروه زبـان و ادبیات فارسـی در دانشـگاه‌های سراسر هند داریم و علاوه بـر این در برخی دبیرسـتان‌ها نیـز ایـن زبان به‌عنـوان یکـی از گزینه‌های زبان خارجـی ارائه می‌شـود؛ بـا وجـود ایـن، وضعیـت و شرایط چندان مطلوب نیست

این در برخی دبیرستان‌ها نیز این زبان به‌عنوان یکی از گزینه‌های زبان خارجی ارائه می‌شود؛ با وجود این، وضعیت و شرایط چندان مطلوب نیست.